

پیش، فاضل محترم آقای مهرداد دبستانی کرمانی قصیده‌ای در وصف او سرود؛ به آقای دهباشی سپردم که در *بخارا* به چاپ برساند. می‌گفت از بیم سرزنش و عتاب استاد جرأت چاپ آن را ندارم. اینک که ایشان دستی از خطاب و عتاب کوتاه دارد به امید بخشش از روح پرفتوحش در خاتمه به درج این قصیده می‌پردازم. امید که رحمت حق در آن دنیا شامل حالش باشد.

روحش شاد و یادش گرامی
کرمان، ۱۸ فروردین‌ماه ۹۰

ماه که او را می‌دیدم بند دلم پاره شد؛ با قیافه رنجور و لاغر. احوالش را پرسیدم، گفت: «به قول صاحب *عقد/علی* نه مرده نه زنده! ساعتی با ایشان در دایرةالمعارف بودم و در مراجعت تا در منزل در خدمتش بودم. وارد خانه که شد، از پشت سر نگاهش کردم سیر - که از روبه‌رو طاققت نداشتم. خود را دلداری می‌دادم که «تاریشه در آب است امید ثمری هست». کاش بود. از تعریف و تمجید اشخاص هیچ خوشش نمی‌آمد. سال‌ها



فروغی زان فروزان شمع خاموش

احسان اشراقی*



کتابخانه دانشکده حقوق و مدیریت نشریه‌های *راهنمای کتاب* و *نسخه‌های خطی* و ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و مدیریت نشریه‌های *ایران‌شناسی* می‌شناختم اما همکاری دانشگاهی با ایشان در ایامی که برای تدریس به دانشکده می‌آمدند فرصتی بود که بیشتر با سجایای اخلاقی و تجارب فرهنگی این مرد بزرگ آشنا شوم. در آن زمان استادان برجسته‌ای مانند دکتر زریاب خوبی، دکتر منوچهر ستوده، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، استاد ادبیات فارسی که به صورت استاد وابسته در رشته تاریخ تدریس می‌کردند، استاد محمدتقی دانش‌پژوه و دکتر باستانی پاریزی به تدریس در گروه تاریخ اشتغال داشتند و حضور ایرج افشار در جمع استادانی که سنت تاریخ‌نگاری عباس اقبال آشتیانی و نصرالله فلسفی را استمرار بخشیده بودند، بسیار مغتنم بود. ایشان درس تحقیق

ملت‌هایی که از اعماق تاریخ برخاسته و در نشیب و فراز رویدادها باقی مانده‌اند، دلایل انکارناپذیری بر هویت آنها وجود دارد. تار و پود این هویت گاه داستانی است از یک حماسه که از یک سینه به سینه دیگر رسیده، گاه یادی و یادبودی به پیشانی سنگها و یا کهنه‌کتابی که افسانه گذشته را در خطوط رنگ‌باخته خود حفظ کرده‌اند. ایرج افشار جلوه‌ای از این نشانه‌هاست و نمودی از فرهنگ دیرپای سرزمین ما و اکنون که مدت زمانی از خاموشی او می‌گذرد، تا زمان‌های درازی که خواهد گذشت گنجینه فرهنگی گرانباری که از او به جای مانده، یاد و خاطره او را پاس خواهد داشت. استاد فقید محمدتقی دانش‌پژوه که در کتاب‌شناسی و فهرست‌نگاری همواره یار و یاور ایرج بوده، به‌درستی گفته است که: «در این روزگار ما، شاعران و ادیبان و هنرمندان و محققان بزرگی داریم و داشته‌ایم که هر کدام در جهان ویژه خویش پایگاهی بلند و مرتبتی عالی دارند، اما در میان ایشان کم‌اند کسانی که با نگرانی‌های ایرج افشار زیسته باشند؛ نگرانی از اکنون و آینده این میراث عظیم بشری».

از فراغت تحصیل در رشته حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۸ شمسی تا سال ۱۳۴۸ که با درجه استادی در گروه تاریخ دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و من افتخار همکاری ایشان و دیگر استادان تاریخ را پیدا کردم، ایرج افشار برای من چهره ناشناسی نبود و سال‌ها ایشان را به مناسبت فعالیت‌های فرهنگی و شهرت در سمت کتابداری و مدیریت



در اسناد تاریخی را به عهده گرفت که متضمن رسیدگی به مکاتبات و منشآت و اسناد دیوانی و امور اقتصادی و اجتماعی و مانند آنها در روزگار گذشته بود. با وجود اشتغال فراوان به کارهای فرهنگی دیگر از قبیل ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و مدیریت نشریات گوناگون و سفرهای علمی داخل و خارج کشور، رسیدگی دقیق به کارهای دانشجویان و تکالیف درسی آنان را جدی می‌گرفت. از همکاری و کمک به رفع مسائل رشته تاریخ دریغ نمی‌کرد. در آن زمان طرح تهیه یک اطلس تاریخی مطرح بود و استادان گروه در فکر این بودند که هر کدام در دوره‌ای از تاریخ ایران که در تخصص ایشان بود اقدام کنند. مساعی ایرج افشار و توصیه‌های ایشان در تدارک مقدمات این امر موثر بود. مقارن با این کار به پیشنهاد ایرج افشار قرار شد یک مؤسسه پژوهشی در جنب گروه تاریخ به منظور پیشبرد هدف‌های پژوهشی تأسیس شود و ایشان آیین‌نامه‌ای در چند فصل تهیه کرد و در اختیار گروه قرار داد و متعاقب این آیین‌نامه قرار شد هر یک از اعضای هیأت علمی عهده‌دار ترجمه سفرنامه مربوط به دوره مورد نظر خود گردند. یکی دیگر از فعالیت‌های گروه در جهت تحقیقات تاریخی، تدوین یک دوره تاریخ ایران در ۵ جلد بود که ایرج افشار نقش اساسی در بخش‌بندی‌های این تاریخ داشت که بر اساس برنامه تنظیمی توسط اعضای هیأت علمی مقرر گردید دو جلد به تاریخ قبل از اسلام ایران و سه جلد دیگر به دوره‌های بعد از اسلام اختصاص یابد. دکتر عبدالحسین زرین کوب نظارت بخش پیش از اسلام و دکتر عباس زریاب نظارت سه جلد دیگر را پذیرفتند و بنا بر تصمیم شورای تألیف مفصل ایران قرار شد از چند تن استاد خارجی متخصص در بعضی ادوار تاریخ ایران نیز در تدوین این اثر استفاده شود. اما اجرای این امر به علت بعضی مشکلات معوق ماند و به زمان دیگر محول گردید. گرچه استاد زرین کوب چند سال پس از آن با تألیف کتابی تحت عنوان تاریخ مردم ایران پیش از اسلام و چند کتاب دیگر در تاریخ بعد از اسلام تحت عنوان تاریخ مردم و روزگاران دین خود را ادا کرد و استاد افشار نیز چندین متن تاریخی و ادبی و

عرفانی به گنجینه فرهنگی ایران افزودند.

ایرج افشار بی تردید ایران‌شناسی کم‌نظیر و مدیر و مدبری کوشنده و فهرست‌نگاری نستوه بود. خدماتی که او به تنهایی در معرفی آثار و مفاخر فرهنگی این سرزمین انجام داده و داعی است گرانبار برای نسل فرهنگ‌دوست امروز و فردای ما؛ و داعی که در سایه همتی بلند و جست‌وجوی بی‌وقفه در گوشه و کنار وطن و دور از وطن به دست آمده است. بازدید از مراکز ایران‌شناسی، شرکت در کنگره‌های پژوهش‌های ایرانی و برگزاری سمینارهای تحقیقات ایرانی سالانه در دانشگاه‌های کشور، فهرست‌نگاری و کتاب‌شناسی در دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های هاروارد، بریتانیا، اتریش و امثالهم، تدوین و مدیریت نشریه‌های *ایران‌شناسی*، *آینده*، *سخن*، *راهنمای کتاب*، تدوین ۸ جلد *مقالات فارسی*، مجموعه رساله‌ها، یادگارنامه‌ها، سفرنامه‌ها و ده‌ها نمونه از این موارد نشانه‌هایی است از تلاش خستگی‌ناپذیر ایرج افشار و باید اضافه کرد متون فارسی اعم از تاریخ و جغرافیا و آثار ادبی و عرفانی و رسالات طبی و دارویی و دیگر علوم که تا امروز تعداد آنها از صدها اثر می‌گذرد به اهتمام این استاد و بعضاً با همکاری چند تن از استادان نامور انتشار یافته، در کارنامه دانشوری و فرهنگی ایرج افشار می‌درخشد که *تصحیح تاریخ عالم‌آرای عباسی اسکندربیک ترکمان*، *عالم‌آرای شاه تهماسب صفوی*، *خلاصه‌السییر*، *مسالک و ممالک استخری* (ترجمه قدیم و جدید)، *جامع جدید یزدی* و اهتمام و کوششی که در چاپ آثار ارزنده‌ای چون *کتاب ذخیره خوارزمشاهی* و *کتاب‌الصیینه ابوریحان بیرونی*، *وقف‌نامه خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی* و رساله‌های عرفانی و دیوان‌های شعر و مانند آنها، نمونه‌هایی از تصحیح انتقادی را نشان می‌دهد که هر یک نشانه‌ای از اهتمام و کوشش ایرج افشار در راستای معرفی متون قدیم و ارزنده فرهنگ ایران است. و دریغا سرنوشت بیش‌مجال به این شخصیت تمام‌عیار فرهنگی نداد تا همچنان آثاری بدیع در گستره تاریخ و فرهنگ ایران پدید آورد:

در بدستی خاک منزل کرد بحری بی‌کنار

